

# جدالهای حکومتی و جنبش کارگری در ایران

## نتایج انتخابات، افت مبارزه طبقاتی

بیش از یکسال و اندی از انتخاب خاتمی به سمت ریاست جمهوری سپری گشت. بورژوازی سالگرد این پیروزی را نیز با سخرانی خاتمی در دانشگاه تهران و در میان کف زدن‌ها و سوت زدنهای ممتد هواداران او جشن گرفت. در این مراسم خاتمی بار دیگر بر شعار انتخاباتی‌اش چون "جامعه مدنی" تاکید نمود و وعده یک زندگی بهتر در پناه "قانون" و نظم را نوید داد.

وسائل ارتباط جمعی داخلی و خارجی نیز به تفصیل در باره سیاستهای رئیس جمهور، تهدیدات و کشمکشهایی که او با آن روبرو خواهد بود نوشتند و یکبار دیگر "حرکت تاریخی مردم" و "تاکتیک صحیح" آنها را ستودند. خاتمی نیز ضمن قدردانی از "حرکت تاریخی مردم" در "حماسه دوم خرداد"، "پیمان و سوگند" خود را با آنها تجدید کرد و گفت: "خود من کمترین سخن را در مورد دوم خرداد گفته‌ام . . . تحلیل‌های گوناگون خوب است بشرط آنکه صاحب اصلی دوم خرداد یعنی مردم مورد غفلت قرار نگیرند."

از اینرو امروز پس از گذشت یکسال ونیم، نگاهی به گذشته و بررسی اهم رویدادهایی که در صحنه سیاسی - اقتصادی ایران رخ داده است و جایگاه آن خطوطی را که ما در گرماگرم عروج خاتمی به قدرت ترسیم نمودیم اهمیت میابد.

برخلاف آندسته از احزاب، سازمانها و گروههایی که انتخاب خاتمی را سرآغاز یک تحول اساسی در زندگی مردم و بویژه طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش قلمداد کرده بودند، برخلاف آنانی که تبدیل مردم به سیاهی لشکر یک جناح از ضدانقلاب را تحت عناوین "تشخیص صحیح" و "تاکتیک سیاسی" مردم ستودند نوشتیم که:

" این یک پیروزی برای کل بورژوازی بود، چرا که آنان قادر گشتند تا با بزک کردن چهره رژیم درنده خویی چون جمهوری اسلامی به شیوه پارلمنتاریستی در مقابل تشدید مبارزه طبقاتی بایستند و زمینه را جهت دنباله روی جنبش اعتراضی آتی از باندهای حکومتی و تبدیل این جنبش‌ها به سکویی برای قبضه قدرت توسط این یا آن جناح از بورژوازی آماده تر کنند." در ادامه توضیح دادیم که:

"چگونه شایعه تحول اساسی در صورت گزینش خاتمی را دامن زدند و از تبلیغات رادیوها و مطبوعات بین‌المللی در این مسیر برخوردار گشتند. آینده نشان خواهد داد که هیچ تحولی که بیانگر بهبود اوضاع زندگی کارگران باشد در کار نیست مگر عقب راندن مبارزه طبقاتی و تضعیف مبارزه طبقه کارگر از طریق در مرکز قرار گرفتن کشاکش جناحهای مختلف بورژوازی. (۱۱)

نگاهی گذرا به آنچه که طی این دوره در صحنه سیاسی کشور بوقوع پیوسته است، بروشنی آشکار میسازد که گفته‌های بالا تا چه اندازه‌ای با واقعیت‌های امروز تطبیق میکنند. طی ایندوره عملاً تنش‌ها و جدالهای جناحهای مختلف بورژوازی به جلوی صحنه رانده شد و در مرکز توجهات قرار

گرفت، طوریکه توانست فضای سیاسی جامعه را تسخیر کرده، مبارزه طبقاتی را تحت الشعاع خود قرار دهد.

چند ماه پس از انتخابات، سخنان منتظری در هشدار به خاتمی و انتقاد به خامنه ای چاشنی بمبی را بحرکت درآورد که شعاع انفجارش کل کشور را دربرگرفت و شهرهای مختلف ایران از جمله قم، اصفهان و نجف آباد را به محل زورآزمایی های جناحهای مختلف بورژوازی تبدیل کرد. بدین ترتیب کار به تظاهرات مخالفین و موافقین و تسویه حسابهای خشونت بار باندهای سیاه در سراسر کشور کشیده شد. این روند متعاقباً پیش درآمد حرکتهای دیگری در روابط جناحهای حکومتی، یعنی بازداشت کرباسچی به اتهام "سوء استفاده های مالی" و بکارگیری مبالغ کلانی از بودجه شهرداری در جریان انتخابات، گشت .

دستگیری کرباسچی از متحدان نزدیک خاتمی کانون بحران را به قلب حاکمیت، میان سران دست اول رژیم منتقل نمود. این واقعه بسرعت از سطح تفسیرها و بگومگوهای مطبوعاتی عبور کرد و با دعوت دفتر تحکیم وحدت برای برگزاری تظاهرات در مقابل دانشگاه تهران به خیابانهای پایتخت کشیده شد . با زدوخوردهای خیابانی بین طرفداران رئیس جمهور و انصار حزب الله از یکسو و بالاخره پخش محاکمه علنی شهردار در رادیو تلویزیون ازسوی دیگر برحساست این کشمکشها در افکارعمومی افزوده گشت .

هرروز که میگذرد رویداد تازه ای بر این مجموعه افزوده میگردد. بورژوازی نیز تلاش نموده است تا از طریق کشیده شدن دامنه کشمکشها به سطح خیابانها زیر عنوان "جنبش های مردمی"، "جنبش دانشجویی" و غیره، در حمایت از "جامعه مدنی" و "اجرای قانون، ابتکار عمل را بدست گیرد، افکار عمومی را بشدت تحت تاثیر این رویدادها قرار دهد. و از این رهگذر به حالت صبر و انتظار و درنتیجه سردرگمی سیاسی در درون طبقه کارگر و توده های زحمتکش دامن زند، تا در درازمدت بتواند از آنها به عنوان سیاهی لشکر در تسویه حسابهای آلترناتیوهای حکومتی چه در درون حاکمیت و چه در اپوزیسیون سود جوید. نموده های چنین حالتی را میتوان با نگاهی به سیمای جنبش کارگری پس از انتخابات وبویژه در شش ماهه اول آن بروشنی بازیافت.

بیگمان جملگی بیاد می آوریم که چگونه بورژوازی بر طبل "بازسازی اقتصادی" و برنامه های پنج ساله رفسنجانی می کوفت که قرار بود تا از درون آن زندگی بهتری برای طبقه کارگر و توده های زحمتکش سربرآورد. از دامنه موفقیت رفسنجانی و وسعت تحولاتی که وعده داده شد، همین بس که او با همه سیاستهای ضدکارگری اش بر پایه "سیاست تعدیل اقتصادی" و تحمیل یک زندگی نکیت بار به کارگران دستاورد قابل قبولی حتی در چارچوب معیارهای سرمایه داری بهمراه نداشت. هنگامی که رفسنجانی آخرین ماههای ریاست جمهوری را پشت سر می نهاد، اقتصاد ایران در ورشکستگی کامل قرار داشت و با موجی از اعتراضات و اعتصابات کارگری مواجه شده بود. نقطه عطف این موج خیزش کارگران نفت بود.

کارگران نفت مبارزات خود را با گردهمایی های عمومی، انتخاب نمایندگان و گسترش حرکت در کل صنعت نفت آغاز کردند و با تظاهرات در پایتخت و مقابله مستقیم با دولت راه را به سایر کارگران نشان دادند . بدین ترتیب جنبش کارگران نفت قادر گشت تا راه خود را از مسیر یک

مبارزه تدافعی به مبارزه ای تهاجمی از طریق شکستن دایره تنگ مبارزه، در یک بخش یا محل و ارتقاء آن به سطح پالایشگاههای کشور افکار عمومی را چه در ایران و چه در خارج به مبارزه طبقاتی معطوف گرداند. با توجه به جایگاه تاریخی مبارزات کارگران نفت و دامنه این حرکت انتظار میرفت که جنبش کارگری جان تازه ای بخود گیرد و وارد مبارزات گسترده تری شود. چنین انتظاری را بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی دولت تقویت مینمود. اما با شروع تبلیغات کرکننده حول انتخابات و بویژه شدت گرفتن تبلیغات دامنه دار حول برنامه خاتمی چه در داخل و چه در خارج، با هدف جا انداختن این ایده که گویا انتخاب خاتمی یک تحول اساسی در زندگی طبقه کارگر و توده های زحمتکش را موجب خواهد شد، توهم در میان کارگران نیز قوت گرفت. بدین ترتیب در ادامه راهی که نفتگران نشان داده بودند وقفه حاصل شده و تحولات سیاسی در بالا و بویژه جدالهای حکومتی در مرکز توجهات قرار گرفت. بطوری که از اوایل سال ۷۶ تا دیماه همین سال از تعداد اعتصابات کارگری شدیدا کاسته شد. گرچه از دیماه با مبارزات کارگران کفش ملی طبقه کارگر تلاش کرده است تا مسیر خود را باز یابد اما قادر نگردید تا مبارزات خود را در این سال به سطح مبارزات کارگران نفت در سال ۷۵ ارتقاء دهد.

### پیشروی بورژوازی جهانی

برنامه خاتمی در شرایطی مورد استقبال و حمایت بورژوازی در سطح داخلی و بین المللی قرار گرفت که رژیم در انظار بین المللی آبروباخته بود، و اقتصادش با بن بست کامل در بحران سختی دست و پا میزد. اتحادیه اروپا و در راس آن آلمان با توسل به دادگاه میکنوس ناخرسندی خود را از ادامه "گفتگوهای انتقادی" و یا بعبارت درست تری روند اصلاحات اقتصادی - سیاسی که رفسنجانی در برنامه خود گنجانده بود، ابراز داشتند.

امریکا نیز کوشش نمود تا با تشدید تحریم اقتصادی و بویژه اعمال مجازات برعلیه شرکتهای اروپایی طبق طرح داماتو بر فشارهای خود بر ایران و رقبای اروپایی اش بیافزاید. براهمیت مسئله زمانی افزوده میگشت که اروپا و در راس آن آلمان و فرانسه تلاش نموده اند تا از طریق تقویت ایران نقش فائده امریکا در خاورمیانه را در اوضاعی که حضور روسیه بشدت تضعیف گشته است، مورد سؤال قرار دهند.

صرفنظر از اشکال و نحوه مواجهه با جمهوری اسلامی، سیاستهای امریکا و اروپا، در یک نکته مشترک بود. آنها میخواستند تا ایران با جدیت بیشتری به برچیدن موانعی همت گمارد، که پیشبرد "اصلاحات اقتصادی و سیاسی" را با شکست روبرو ساخته بود. پلاتفرم خاتمی مبنی بر "جامعه مدنی" و "تشنج زدایی" در اصل پاسخ به این هدف بود. به همین جهت رسانه های بین المللی تبلیغات وسیعی را درباره "اهمیت انتخابات" و "برنامه" خاتمی براه انداختند و از چشم انداز تحولات اساسی در زندگی مردم خبر دادند. در چنین اوضاع و احوالی بود که ما برخلاف جو حاکم نوشتیم:

"بخش قابل توجهی از تفاسیر مطبوعات و رسانه های دستگاه ایدئولوژیک طبقه حاکم در اروپا و در صفوف اپوزیسیون . . . . به نقش سرنوشت ساز انتخابات" . . . اختصاص یافته بود، خلق این فضا بوسیله ابزارهای تولید افکار عمومی در آستانه سیرک انتخاباتی یکی از وحشیانه ترین

حکومت های سرمایه داری، حکایت از اهمیت این نمایش در نزد کلیه جناحهای طبقه حاکم داشت . . . هم برای دول اتحادیه اروپا و هم برای احزاب راست و چپ اپوزیسیون بورژوازی . . . آشکار بود که قبضه شدن قدرت در دست "جناح راست سنتی" یعنی محروم شدن دولت از کادرهای تکنوکرات و گرداننده سرمایه داری دولتی در ایران، یعنی تشنگی بی سابقه در بالا و فلج دستگاه اداری - نظامی حکومت، این همه مفهومی جز رها شدن دولت ناتوان از سرکوب در میان حلقه محاصره خیزش های خشم آگین استثمار شوندهگان و تمکین بورژوازی جهانی به تشدید مبارزه طبقاتی در ایران نداشت " (۲)

پس از روی کار آمدن خاتمی بلافاصله بورژوازی تمام مساعدت خود را بخرج داد تا از انزوای بین المللی ایران بکاهد. اتحادیه اروپا بسرعت اختلافات فی مابین را که به خروج سفرای این اتحادیه از ایران انجامیده بود برطرف نمود و بدنبال آن جنب و جوش هیئت های اقتصادی در تهران شدت گرفت .

شرکت "توتال" باوجود تهدیدات امریکا قراردادی به ارزش ۲ میلیارد دلار و شرکت نفتی "الف آلتین" قراردادی به ارزش ۶۰۰ میلیون دلار برای بهره برداری از منابع نفت و گاز ایران امضاء کردند. در همین چارچوب فرانسه و ایتالیا بیش از یک میلیارد دلار اعتبار و بانکهای آلمان ۱۶۰ میلیون دلار وام برای توسعه میدانهای نفتی در اختیار ایران قرار دادند. همچنین هیئت های بزرگ اقتصادی متشکل از صاحبان صنایع و مقامات بانکی فرانسه، بلژیک و یک هیئت بلند پایه به همراه نخست وزیر ایتالیا به ایران سفر نمودند تا راههای کمک به اقتصاد ایران و سرمایه گذاریهای کلان احتمالی را مورد بحث و بررسی قرار دهند.

مجموعه اقدامات که پیش درآمد عرضه چهره جدیدی از جمهوری اسلامی در برابر افکار عمومی جهان بود، با تغییر سیاست اروپا از سیاست "گفتگوهای انتقادی" به "گفتگوهای سازنده" تکمیل گردید .

دولت امریکا نیز در نخستین گام حسن نیت خود، مجاهدین را در لیست سازمانهای تروریستی قرار داد. سپس، از به اجرا گذاشتن طرح داماتو بخاطر منافع ملی (فعلاً) صرفنظر کرده است و در پاسخ به پیام خاتمی مبنی بر "گفت و شنود تمدنها" خواهان "مذاکرات صادقانه در باره همه مسائل" گردید.

مجموعه اقدامات اروپا و امریکا یکجانبه نبود. خاتمی نیز به سهم خویش تمام هم خود را بخرج داد تا حسن نیت برادران طبقاتی اش را باگشاده رویی سیاسی - اقتصادی پاسخ گوید.

در سیاست خارجی دولت با شعار "تنش زدایی و گفتگوی تمدنها" به میدان آمد. شکافهای روابط با اروپا به سرعت روبه بهبودی نهاد و با آغاز "گفتگوهای سازنده" وارد مرحله جدیدی گشت همچنین کنفرانس سران کشورهای اسلامی با شرکت ۵۵ کشور و با حضور ولیعهد عربستان و یاسر عرفات برگزار گردید. این گردهمایی که بقول خاتمی "بزرگترین گردهمایی سران حکومت در تاریخ ایران، قبل و بعد از انقلاب" بود تلاش نمود تا راه مصالحه ایران با دنیایعرب و بویژه متحدان

نزدیک امریکا را هموار سازد.

در زمینه اقتصادی، علاوه بر حضور بازرگانان و کارفرمایان صنایع در تهران از یکسو، اعطای اعتبار و امضای قرار دادهای اقتصادی از سوی دیگر، ایران راههای چگونگی تسهیل سرمایه گذاریهای درازمدت و کلان را از اولویت های مهم برنامه دولت نامید. بدین ترتیب دولت امیدوار است تا موقعیت اقتصادی ایران در بازار جهانی تقویت شود. اهمیت این مسئله را در سخنان خاتمی در باره "قرارداد توتال" میتوان بروشنی مشاهده کرد: توتال "با سرمایه های عظیم خود در خلیج فارس یک تضمین امنیتی نیز فراهم می آورد".

بر بستر چنین چشم اندازی دولت تلاش کرده است تا از طریق رفع برخی موانع قانونی بر سر راه امضاء و اجرای قراردادهای کلان، پیشروی در این جهت را، سرعت بخشد. در این رابطه میتوان به تصویب لایحه اجازة سرمایه گذاریهای شرکت های خارجی از ۱ تا ۹۹ درصد و معافیت مالیاتی ۶ تا ۱۲ ساله توسط مجلس اشاره کرد.

اما با این همه، اتخاذ سیاست "تشنج زدایی"، بهبود روابط با اروپا، امریکا و کشورهای عربی، هنوز به مفهوم جلب قطعی سرمایه گذاریهای کلان و ایجاد ثبات اقتصادی نخواهد بود، چیزی که اقتصاد ایران در حال حاضر سخت بدان نیازمند است. این پروسه میبایست با برخی اصلاحات سیاسی در نحوه اداره امور کشور و ایجاد ثبات در بازار کار همراه باشد.

### **تشدید مبارزه طبقاتی تنها آلترا تیبو**

رژیم جمهوری اسلامی در طول حیات خود همواره به شکل باندي عمل کرده است. انتخابات و جابجایی قدرت بر بستر توافقات پنهانی صورت گرفته است. این نقیصه حکومت، قضاوت و چشم انداز بورژوازی را از سمت و سوی پلاتفرمهای جناحهای مختلف، حدود و ثغور آن و خلاصه دامنه نفوذ آن با دشواری مواجه ساخته بود. بی جهت نبود که شرکای اقتصادی ایران سالها بود که تنها به دادوستدهای نقدی و یا سرمایه گذاریهای کوتاه مدت تضمین شده اکتفا کرده بودند. آنجا نیز که بازپرداخت بدهی ها دچار نقصان میگشت، ادامه معاملات به زمانبندی باز پرداخت قروض مشروط بوده است. بنابراین گذر از حکومت باندي به حکومت حزبی از ضروریات جلب سرمایه گذاریهای کلان درازمدت است. اسم رمز این هدف در نزد بورژوازی اجرای "قانون اساسی" و "قانون کار" است که از درون آن باید احزاب و "سازمانهای صنفی کارگری" درچارچوب قانون سر برآورند. چنین پروسه ای در شکل کلاسیک تری در کشورهای مختلفی از جمله در امریکای لاتین، مصر، ترکیه که در آن حکومت های نظامی در یک پروسه "دمکراتیزه" کردن زندگی سیاسی و آشتی ملی قدرت را به احزاب منتقل کرده اند، طی شده است. به این کلکسیون میتوان پروسه ای را که لهستان و بلوک شرق از سرگذراند نیز اضافه کرد.

برای سرمایه تفاوت چندانی نخواهد داشت که شرایط سودآوری و رتق و فتق امور سیستم را گله ای از ملایان امامه به سر ریشو رونق بخشند یا گله ای از سکولاریستهای کراواتی، گرچه این آخري از نظر تاریخی تقدم دارد.

تحقق چنین پروسه ای بدون مهار، هدایت و به کنترل درآوردن مبارزات نیروی مؤثر و تعیین کنندای چون طبقه کارگر، به مجرای "قانون و قانونگرایی" قرین موفقیت نخواهد گشت. به همین

دلیل شکلگیری "تشکلهای صنفی" در محدوده قانون با شعار "اجرای قانون کار" از ضروریات تحقق این پروسه است. توهم پراکنی در میان کارگران مبنی بر اینکه گویا اجرای قانون کار و یا تغییراتی در آن، بهبودی زندگی شان را موجب خواهد شد، چنین هدفی را نشانه رفته است. باهمین چشم انداز است که خاتمی از کارگران میخواهد تا "تشکلهای کارگری سالم" خود را بسازند، مجلس برای "دفاع" از حقوق کارگران "مجمع کارگری" میسازد و خلاصه خانه کارگر نیز به تشکیل "حزب کارگران" مبادرت میورزد.

اما اقتصاد ایران در شرایط فعلی با دشواری های سختی روبرو است و در بحران دست و پا میزند. بسیاری از واحدهای تولیدی بسیار پائین تر از ظرفیت واقعی خود فعالیت میکنند. بیکاری طبق محاسبه رسمی سران دولت از مرز ۴۰٪ گذشته است و ورود سالانه بیش از ۲ میلیون جویای کار بر ابعاد آن می افزاید. نرخ تورم بسرعت بالا میروند درحالی که مزد واقعی هرلحظه کاهش میابد. بنابر اظهارات مسئولین خانه کارگر، امروز مزد واقعی نسبت به دو دهه گذشته بیش از ۵۵٪ کاهش یافته است.

بودجه سال ۷۷ دولت با محاسبه ۱۶ دلار برای هریشکه نفت با کسری ۳ میلیارد دلاری روبروست. و اکنون سقوط بیشتر بهای نفت در بازار جهانی بر درآمدهای ارزی که بودجه مستقیماً بدان وابسته است، شدیداً تاثیر خواهد گذاشت و بر وخامت اوضاع خواهد افزود. ادامه این روند چشم انداز اقتصادی را بیش از پیش تیره میسازد. برهه اینها میبایست بازپرداخت بدهی های خارجی ایران را که بیش از ۳۰ میلیارد دلار بالغ میگردد، افزود.

مجموعه این اوضاع ذوب شدن یخ های توهم کارگران و توده های زحمتکش به پلاتفرم خاتمی را سرعت بخشیده، بر موج اعتراضات و اعتصابات کارگری در سال جاری افزوده است، که جملگی بیانگر آن است که جنبش کارگری پس از یک وقفه کوتاه تلاش میکند تا مسیر خود را باز یابد. در این میان میتوان به تعدادی از اعتصابات اشاره نمود که در روزنامه های رسمی نیز منعکس شده است:

اعتصاب گروهی از کارگران پالایشگاه آبادان و اجتماع کارگران در برابر فرمانداری، اعتصاب کارگران ذوب فلزات یزد و تهدید به راهپیمایی در شهر، اعتصاب کارگران ریسندگی آذر تهران، اعتصاب کارگران پتوسازی رشت و کارخانه جوراب گیلان و چندین اعتصاب دیگر.

اما هیچیک از این حرکات نمیتوانند روند واقعی مبارزه را به نفع کارگران تضمین نماید. و کماکان خطر آن وجود دارد که جنبش کارگری بدلیل تلاشهای وسیع بورژوازی در قدرت و در اپوزیسیون، در چنگال "قانون" و "قانونگرایی" یعنی مطالباتی چون "اجرای قانون کار" و یا "ایجاد تغییراتی" در آن گرفتار آید و به ابزاری در خدمت جناحهای حکومتی و یا به قدرت رساندن جناحهایی در اپوزیسیون فعلاً غیر قانونی تبدیل شود. عوامل قوت یابی این خطر را باید در ماهیت برخی مطالبات جنبش کارگری و پراکندگی مبارزات جستجو کرد. در این رابطه میتوان به مطالباتی اشاره داشت که از خانه کارگر تا احزاب و سازمانهای اپوزیسیونی نیز برآن سخت تاکید می ورزند. از جمله "اجرای طرح طبقه بندی مشاغل"، "توقف خصوصی سازی ها"، "ایجاد تشکلهای صنفی" و خواست "واگذاری سهام به کارگران". (۳)

## رفقای کارگر

طی دو دهه گذشته دولت با اجرای همین قانون کار زندگی نکبتبار فعلی را به ما تحمیل کرده است. قانونی که هیچ امنیتی در هیچ زمینه ای برای ما ببار نیاورده است. کافی است تا به میزان بیکاری، سطح دستمزدها و کیفیت و وسعت خدمات اجتماعی و صدها معضل دیگر نگاه کنیم تا دریابیم که راهی جز درهم شکستن این قانون و گذشتن از سد آن در پیش رو نداریم. آلترناتیو خاتمی چیزی جز ادامه مصممانه تر سیاستهای اقتصادی و سیاسی رفسنجانی نیست. باز شدن راه سرمایه گذارهای اقتصادی و گشوده شدن باب رابطه با این یا آن دولت، گرهی از مشکلات ما نخواهد گشود و دولت با تمام قوا تلاش خواهد کرد تا سنگینی بار بحران اقتصادی را از طریق تحمیل بی حقوقی های بیشتری بر دوش ما منتقل کند. امروز کشتی اقتصادهایی که حمایت مستقیم مالی بورژوازی جهانی را نقداً در پشت خود دارند (کره جنوبی، ترکیه، کشورهای امریکای لاتین و . . .) به گل نشسته است، و بورژوازی سالهاست که تلاش میکند تا با تعرض به کارگران کنترل اوضاع را بدست گیرد.

## کارگران!

وعدۀ روزهای خوش آینده از سوی جناحهای حکومتی یا هر حزب و گروه اپوزیسیونی فریبی بیش نیست. آنها قادر نخواهند بود، هیچ تحول پایه‌ای را که به بهبود اساسی زندگی ما بیانجامد موجب گردند. ما باید تنها به نیروی خود، به همبستگی طبقاتی خویش و به مبارزه مستقل طبقه مان اعتماد کنیم. ما میبایست بر خواسته های طبقاتی مان تاکید ورزیم و با کشاندن مبارزه به محیط های کار ابتکار عمل را بدست گیریم. تنها در چنین محیط هایی است که ما میتوانیم درباره سیاست، آزادی، اعتصاب و چگونگی دست یافتن به اهدافمان گفتگو کنیم. ما نه از طریق صندوقهای رای گیری حکومتها بلکه تنها در گردهمایی ها و مجامع عمومی کارگری است که میتوانیم نمایندگان خود، کمیته های اعتصاب و . . . انتخاب کنیم و هرزمان که اراده نمائیم بتوانیم آنها را عزل کنیم.

ما میبایست بر پراکندگی اعتصابات و محدودیت های آن، با تماس با سایر محیط های کار به هر طریق ممکن، فائق آیم و دامنه حرکات خود را از سطح یک کارخانه به سطح یک منطقه و از یک منطقه به سطح کل کشور گسترش دهیم.

کارگران! در این مبارزه ما چیزی نداریم از دست بدهیم جز زنجیرهایمان را. هیچ آلترناتیو دیگری جز برچیدن بساط نظم فعلی وجود ندارد.

## س - م

### زیرنویسها:

- ۱- به نقل از مقاله "صف آرای بورژوازی . . ." ، بیک انترناسیونالیستی شماره ۲
- ۲- همانجا
- ۳- درباره ماهیت برخی از خواستههای فعلی مراجعه شود به مقاله "اتحادیه مستقل کارگران ایران بروایت چپ" در همین شماره از نشریه.